

Efficiency of the Islamic Republic Government and the questions in the civilization-building approach of Islamic political philosophy

Morteza Yusefi Rad *

Received: 2021/04/28

Accepted: 2021/10/12

Abstract

According to efficiency challenge of the Islamic Republic government, purpose of this research is asked questions that answer the challenges of the infrastructure and structure of the Islamic Republic government. The author uses method of questioning and producing the challenge to achieve his goal. The question is “what are infrastructural and structural questions in the efficiency of the Islamic Republic? It is claimed that when there are no balanced rational answers to infrastructural and structural questions so the political system of Islamic Republic and governments can not provide performance and achive their goals and missions, as the result Islamism and Iranian cannot be a model of civilization. Conclusion is answering those questions so become a measure of infrastructural and structural efficiency. Research shows that production and promotion of the culture of questioning, critique and rationality in society, political system and government make efficiency.


Keywords:Civilization-building, Islamic Republic Government, Balancing, Islamic Political Philosophy, Efficiency

.....
(Selected Article of the Sixth International Congress of Islamic Humanities - New Islamic Civilization Commission)

* Assistant Professor of Political Science, Institute of Islamic Culture and Thought,

qom, IR Iran

myusefy@gmail.com

 0000-0002-7032-1817

کارآمد سازی دولت جمهوری اسلامی و پرسش‌های پیش رو در رویکرد

تمدن ساز فلسفه‌ی سیاسی اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸

مرتضی یوسفی راد*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰

چکیده

در راستای چالش کارآمدی دولت جمهوری اسلامی، هدف این مقاله طرح پرسش‌هایی است که پاسخ بدان‌ها زیرساخت‌ها و ساختار دولت جمهوری اسلامی را به چالش می‌کشاند. نویسنده در نیل به مقصود خود، از روش پرسش‌گری و تولید چالش استفاده می‌کند. سؤال آن است که در چارچوب تعادل بخشی فلسفه‌ی سیاسی اسلامی، کارآمدسازی جمهوری اسلامی با چه نوع پرسش‌های زیرساختی و ساختاری مواجه است؟ مدعا آن است که هرگاه در پاسخ به پرسش‌های زیرساختی و ساختاری، خردورزی‌های تعادل بخشانه صورت نگیرد نظام سیاسی جمهوری اسلامی و دولت‌هایی که عهده‌دار راهبری آن‌ها می‌باشند دچار ضعف در ارائه عملکرد مناسب و شایسته و ضعف در اهداف و مأموریت‌های خود می‌گردند و دو بُعد اسلامیت و ایرانیت آن نمی‌تواند الگوی تمدن سازی قرار گیرد. نتیجه‌ی مترتب بر موضوع آن است که پاسخ‌گویی به سؤالات مذکور معیار کارآمدی زیرساختی و ساختاری شده و عدم آن، معیار ناکارآمدی دولت جمهوری اسلامی می‌گردد. یافته‌های تحقیق، تولید و ترویج فرهنگ پرسش‌گری و نقد و عقلانیت در جامعه و نظام سیاسی و دولت، هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی و انسجام در آن‌ها و در نتیجه کارآمدی دولت می‌باشد.

واژگان کلیدی: تمدن سازی، دولت جمهوری اسلامی، تعادل بخشی، فلسفه‌ی سیاسی اسلامی، کارآمدی.

* (مقاله منتخب ششمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی - کمیسیون تمدن نوین اسلامی)

* استادیار علوم سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

همه‌ی نظام‌های سیاسی در سطوح زیرساختی و ساختاری، ضمن برخورداری از قوت‌ها با ضعف‌ها و کاستی‌ها و تهدیدات مواجه هستند و دوری از آن‌ها نیازمند پرسش از آنچه به توانمندی پایدار و روزآمدی و کارآمدی زیرساختی و ساختاری آن‌ها انجامیده و نیازمند مواجهه و پاسخ خردورزانه بدان‌ها می‌باشند. سؤالی که نویسنده در این مقاله با آن مواجه بوده آن است که در چارچوب تعادل بخشی فلسفه‌ی سیاسی اسلامی، کارآمدسازی جمهوری اسلامی با چه نوع پرسش‌های زیرساختی و ساختاری مواجه است که اگر بدان‌ها توجه نشود یا پاسخ داده نشوند، جمهوری اسلامی در توانمندی زیرساختی و در روزآمدی و کارآمدی ساختاری دچار تهدید می‌شود و در دولت‌سازی و در نتیجه تمدن‌سازی دچار مشکل می‌گردد؟

ادعا آن است که هرگاه در پاسخ به پرسش‌های زیرساختی و ساختاری خردورزی‌های تعادل‌بخشانه صورت‌نگیرد نظام سیاسی جمهوری اسلامی و دولت‌هایی که عهده‌دار راهبری آن‌ها می‌باشند دچار ضعف در ارائه‌ی عملکرد مناسب و شایسته و ضعف در اهداف و مأموریت‌های خود می‌گردند و دو بُعد اسلامیت و ایرانیت آن نمی‌تواند الگوی تمدن‌سازی قرار گیرد. در این متن از روش متن - زمینه محور اسکینر استفاده می‌شود. در متن نشان داده شده که زیرساخت‌های رفتاری دولت جمهوری اسلامی و ساختار عملکردی آن زمینه‌های پرسش‌های اساسی و بنیانی و پرسش‌های عملکردی و مدیریتی را تولید می‌کند که عدم خردورزی و عدم تأمل و تعقل کافی از آن‌ها، پیامدهای خاصی را در پی دارد. در این متن نویسنده چارچوب تئوریک خود را چارچوب تعادل بخشی فلسفه‌ی سیاسی اسلامی قرار داده و براساس آن به طرح پرسش‌های موردنظر برمی‌آید. در چارچوب تعادل بخشی فلسفه‌ی سیاسی اسلامی، رسیدن به تعادل پایدار و تمدن‌ساز در سه مرحله؛ ۱- پیشگیری و بازدارندگی از ارتکاب جرم و انحراف و بی‌عدالتی و تجاوز به حقوق هم‌نوعان و شهروندان ۲- پیش‌رانه تعادل بخشی میان همه‌ی نیروها، افراد و گروه‌ها و طبقات و بخش‌ها جهت ایجاد هماهنگی و همبستگی و رفع تخلفات، تعارضات و

تضادهای منافع متعدد و متکثر میان آن‌ها ۳- پیشرانه‌ی تعالی ساز با پیوستگی و هم‌افزایی صوری و محتوایی و مادی و معنوی صورت می‌پذیرد و نتیجه‌ی آن تولید سرمایه‌ی انسانی، ثروت، وحدت، عدالت، همکاری، همبستگی، قدرت، اقتدار و در سطوح مختلف می‌گردد و توانمندی خود را در الگوسازی و تمدن‌سازی نشان می‌دهند.

در ادامه همراه با بیان مفاهیم در چارچوب تعادل‌سازی، پرسش‌های زیرساختی و راهبری سیاستگذارانه و ساختاری تقنینی و مدیریتی- اجرایی متن را به محورهای چهارگانه تقسیم نموده است:

محور اول: مفاهیم؛ تعادل بخشی فلسفه‌ی سیاسی اسلامی، کارآمدی، ناکارآمدی و

جمهوری اسلامی

۱- تعادل بخشی در فلسفه‌ی سیاسی اسلامی

در فلسفه‌ی سیاسی اسلامی متأثر از مبانی انسان‌شناسانه و اعتقاد به مدنیت بالطبع و اعتقاد به ابعاد دوگانه‌ی دنیوی- اخروی و مادی- معنوی و منفعت‌طلب و مصلحت‌گرای انسان و همسو با غایت متعالی او، دولت قدرت فائقه و مدبره‌ای است که از ماهیت تعادل بخشی میان نیازهای دنیوی و اخروی انسان و منافع فردی و جمعی و آسایش بخشی و آرامش بخشی افراد مدنی برخوردار می‌شود تا هم مانع تعارض منافع شخصی ستیزه‌جو و خشونت‌آمیز و مدنیت‌گریز شده و هم بر اساس عدالت و محبت مدنی در کنار منافع خصوصی، مصالح همگانی تأمین و شرایط همکاری مدنی برای همگان فراهم آمده و با توجه به وجود استعدادها و ظرفیت‌های کمال خواهانه و متعالی انسان، دولت ضرورت می‌یابد تا جامعه را به سوی شکوفایی استعدادها (در مقابل شکوفایی استعدادهای طبیعی و رسمیت یافتن آزادی‌های فردی در اندیشه‌ی لیبرالیسم) و دستیابی به اهداف متعالی و نیل به سعادت حقیقی (مقابل نظری‌هایی که دولت را یا صرفاً پیشگیر رفتارهای منازعه‌آمیز یا مدیریت با رویکرد اقتصادی و هدف سودآوری یا امنیت می‌داند) در چارچوب فرآیند اعتدال مدنی، جامعه و نظام سیاسی را مدیریت و راهبری نماید.

به بیانی دیگر مسئله‌ی اصلی فلسفه‌ی سیاسی اسلامی، فضیلت مندی و سعادت مردم

است و فضیلت مندی و نیل به سعادت متوقف بر اعتدال قوای نفس و اجزا و بخش‌های مختلف جامعه می‌باشد. فلسفه‌ی سیاسی طراحی نظامی است که افراد با پیشگیری و فاصله گرفتن از انحرافات و افراط و تفریط‌ها، به استعداد‌های فطری خود روآورند و آن را فعال نمایند. در این صورت دولت به‌عنوان قدرت فائقه ماهیت تعادل بخشی می‌یابد تا بتواند هم نقش بازدارندگی از منازعات و انحرافات و تجاوزطلبی‌ها داشته باشد و هم با دو عنصر عدالت و محبت مدنی حامل نظم با ثبات و بادوام و شکوفایی فضائل فطری کمالی باشد تا به جایگاه وجودی و الهی کریمانه و سعادت‌مندانه نائل آید و بدین طریق اعتدال و معنویت را در دل سیاست وارد کرده و حکمت و خیرخواهی را اساس حکومت قرار دهد.

ویژگی‌های دولت اعتدالی در فلسفه‌ی سیاسی اسلامی عبارت‌اند از:

- تأمین مصالح عمومی در کنار منافع فردی (در نظریات تولیدشده از دولت در مکاتب فلسفی عصر جدید، دولت‌ها یا در رهیافت سوسیالیستی تعریف شده و تأمین‌گر مصالح عمومی با جهت‌گیری اقتصادی می‌باشند و یا در رهیافت لیبرالیستی تعریف شده و تأمین‌گر منافع فردی هستند، هرچند در میان آن‌ها شدت و ضعف وجود دارد. درحالی‌که رویکرد منظومه‌ای دولت اعتدال‌گرای فلسفه‌ی سیاسی اسلامی بر پایه‌ی اعتدال مدنی، به تجمیع منافع فردی و جمعی / دنیایی و اخروی آن‌ها و سعادت دنیوی و اخروی آن‌ها برمی‌آید).

- مسئله‌ی دولت در رهیافت اعتدال (دولت اعتدال‌گرا) عبور انسان از مرحله‌ی غریزه‌ی حیوانی / شیطانی به شکوفایی همه‌جانبه‌ی استعداد‌های کمال خواهانه برخاسته از فطرت انسانی - الهی است (درحالی‌که در دولت‌های غیراعتدال‌گرا، شکوفایی توانمندی‌ها و استعدادها مسئله می‌باشد، اما شکوفایی استعدادها یا فردی است یا جامع ابعاد مادی و معنوی انسان نبوده و به ماهیت مادی مثل سودمند شدن، مالکیت و آزادی هدایت می‌شوند).

- غایت این دولت، سعادت‌مندی جامع مادی - معنوی و دنیوی - اخروی بر پایه‌ی ارزش‌های الهی می‌باشد، درحالی‌که در مکاتب دیگر، سعادت‌مندی یک‌جانبه و محدود و عمدتاً مادی می‌باشد.

- در این نظریه، ضمن ضرورت دودسته نقش‌های کلی؛ ۱- پیشگیرانه و بازدارنده از تأثیر عوامل منفی در کارکرد و ۲- پیشروانه و انگیزه ساز، نقش مدیریت پیشگیرانه و بازدارنده بر انگیزه ساز تقدم دارد تا دولت در سامان‌دهی و مدیریت امور و در نیل به اهداف هزینه‌ی کمتری را متحمل شود و عبور از مرحله‌ی نامتعادل گریز از مرکز و تضادآفرین به مرحله‌ی متعادل وحدت‌زا آسان گردد. (فارابی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۳)

- این نظریه بر اساس تأثیرپذیری از اعتدال حاکم بر کل هستی که ناشی از رویکرد وحدت در کثرت و نگاه منظومه‌نگری و تجمیع همه‌ی اجزاء و عناصر پدیده‌ها بوده، قائل به تجمیع منافع و مصالح فرد و جامعه می‌باشد، درحالی‌که در مکاتب دیگر عموماً یا تأمین منافع فردی اصل بوده و منافع جمع فرع و یا برعکس می‌باشد.

در فلسفه‌ی سیاسی اسلامی، شکل مطلوب دولت و زیرساخت و ساختار آن، تجمیع و هم‌افزایی^۱ افکار، اعمال، امکانات و فرصت‌ها و هدایت آن‌ها به سوی تحقق اهداف است. در این دولت، مشارکت فعال و همگانی همه‌ی افراد تعادل یافته برای تحصیل سعادت دو جهان مادی و معنوی است. دولتی که سیاست‌گذاری‌های آن مبتنی بر توأمان و تعادل میان علم به مصالح دنیوی آسایش آور و معنوی آرامش آور بوده و مقابل نظریه‌ی دولت دنیاگرایی مادی / آسایش آور می‌باشد. (یوسفی راد، ۱۳۹۹، ص ۴۱-۴۲).

کار ویژه‌ی چنین دولتی ۱- عبور انسانی از مرحله‌ی حیوانی منفعت طلبانه، حریصانه و منفعت طلب ۲- به تعادل بخشی و توأمانی توسعه‌ی وجودی افراد مدنی در دو بعد؛ الف- نظری تا علم و آگاهی حقیقی به توانمندی‌های حقیقی و کمالات یابد ب- عملی تا اعمالش در مطابقت با مصالح عمومی باشد و حیات مادی و معنوی‌شان توأمان توسعه یابند.

۲- مفهوم کارآمدی و کارآمدی تعادل‌بخش

در کتاب فرهنگ واژه‌ها و اطلاعات مدیریت و سازمان، کارآمدی به معنای اثربخشی و

۱. با شناسایی موانع و آفت‌ها و آسیب‌ها و راه‌کارهای بازدارنده و پیشگیرانه

میزان موفقیت در تحقق اهداف از پیش تعریف شده و انجام مأموریت‌ها دانسته شده است (معینی، ۱۳۷۰، ص ۲۱۱) و مراد از آن بهره‌وری بهینه و هماهنگ و هم‌افزا و اثربخش از امکانات و ظرفیت‌های اجزا و بخش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نظام سیاسی می‌باشد و این حاصل نمی‌شود مگر این‌که مدیریت یک مجموعه باعث نهادینگی شدن امور، علمی و فنی شدن و سازمانی کار کردن مجموعه، شناسایی فرصت‌ها و تهدیدات و تبدیل تهدیدها به فرصت و دوری از سلیقه‌ای عمل کردن شود. از منظر اعتدال و مدیریت تعادل‌بخش نیز، کارآمدی نوعی از مدیریت محسوب می‌شود که با دوری از افراط و تفریط و دوری از افتادن در تعارض و تقابل و تضاد میان همه‌ی افراد و گروه‌ها و بخش‌ها و زیر بخش‌ها، با رعایت عدالت مدنی و ملاحظه‌ی همه‌ی ظرفیت‌های مؤثر و بهره‌گیری شایسته از آن‌ها، تعادل و توازن میان آن‌ها برقرار شده و با تجمع و وحدت بخشیدن به آن‌ها توأمانی آسایش و آرامش و رفاه و امنیت و عدالت و آزادی و ... که حاصل هماهنگی و همبستگی و اعتدال میان آن‌هاست حاصل و با هدایت آن‌ها رشد و پیشرفت مادی و معنوی و تعالی وجودی به میزانی که در ظرفیت کمالی افراد و جامعه ممکن است ایجاد گردد. در نتیجه کارآمدی آن است که تهدیدات شناسایی و دفع شده، فرصت‌ها نیز شناسایی و در نتیجه حفظ و تقویت شوند و حداکثر بهره‌برداری از آن‌ها صورت بگیرد.

در این صورت کارآمدی یک فرآیندی است که با شناسایی تهدیدها و مهار یا کاهش و یا نابودی آن‌ها یعنی با پیشگیری و بازدارندگی آغاز و با شناسایی فرصت‌ها و بهره‌برداری مفید از آن‌ها و تخصیص بهینه‌ی امکانات در جهت دستیابی به اهداف تعیین شده و تحقق الگوی مطلوب استمرار می‌یابد و در نتیجه به سامان و توسعه‌ی افراد مدنی و جامعه و زندگی مدنی در ابعاد مادی و معنوی و آسایش و آرامش می‌انجامد.

فارابی گوید: «بلکه باید همه‌ی بدی‌ها اعم از ارادی و غیرارادی زوده گردد و به جای آن خیرات برقرار گردد؛ هم خیرات ارادی و هم خیرات طبیعی.» (فارابی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۳). و نتیجه می‌گیرد که کار سیاستمدار این است که: «نظام مدینه‌ها را بدان‌سان نماید که اجزاء و دسته‌ها و اعضاء مدینه‌ها با نظام خاصی به یکدیگر پیوسته گردند.» (همان).

و در ادامه، حاصل پیوستگی را تجمیع امکانات و بهره‌برداری از آن‌ها می‌داند: «و آن‌چنان سازگاری و ترتیب بین آن‌ها برقرار کند که همه جمعاً جهت زدودن بدی‌ها و حصول خوبی‌ها به یکدیگر کمک و معاونت نمایند.» (همان) و از این طریق یکدیگر را کامل کرده و کمال خود را باز یابند تا همه‌ی افراد مدنی به کمال وجودی خود دست یافته و به‌اندازه‌ی استعدادهای خود کامل شوند. آنگاه به تعبیر علیرضا صدرا کارآمدی یعنی رسایی و سازواری، زیرا چیزی کامل است که هم رسا باشد و هم سازوار؛ مثلاً یک موتور ماشین را در نظر بگیرید. موتور ماشین هم باید ابزار لازم را داشته باشد، مثلاً موتور باید شمع داشته باشد و هم هر شمع سر جای خودش قرار بگیرد. اگر شمع نداشته باشد کار نمی‌کند، اگر شمع داشته باشد اما سر جای خودش نباشد، کار نمی‌کند. سیستم هم همین است؛ هم باید عناصر (ساختاری و نظام‌مند) لازم را داشته باشد، هم باید هر کدام سر جای خودش قرار بگیرد تا کارکرد خود را داشته باشد (صدرا، ۱۳۹۸) و به‌عبارت‌دیگر کارآمدی یعنی بهره‌وری و اثربخشی. پدیده‌ای که می‌خواهد کارآمد باشد باید رسا و سازوار باشد؛ هم اجزایش و هم نظامش؛ حالا سازمان باشد یا برنامه باشد فرق نمی‌کند؛ هم برنامه‌اش باید رسا و سازوار باشد و هم ساختارش. اگر این امر محقق شد، خروجی‌اش می‌شود کارآمدی. آن‌وقت کارآمدی در دو عنصر؛ بهره‌وری و اثربخشی جمع می‌شود. (همان)

در این صورت ناکارآمدی و ناکارآمدی متعادل هر آن چیزی است که با عدم بهره‌برداری مفید از امکانات و شرایط و ظرفیت‌ها و از فرصت‌ها، مانع در رسیدن به امر خیر و مانع در ایجاد تحول و توسعه‌ی انسانی و در فراهم شدن توأمانی آسایش و آرامش و توأمانی رفاه و امنیت و ... شود. در رهیافت اعتدالی ناکارآمدی، بروز رفتارهای افراطی منفعت‌طلبانه و سودجویانه و خودخواهانه فردی به‌جای جلب منافع با رعایت منافع هم‌نوعان و به‌جای رعایت اقتضائات مدنیت و عدم بروز توانمندی‌های مدنی کمال‌خواهانه و عدم استقرار افراد در جایگاه‌های استحقاقی خود است تا در آن جایگاه استعدادها و توانمندی‌ها شکوفا گردد و به معنای عدم توازن و تعادل میان اجزاء و بخش‌های مختلف جامعه است تا کارکرد هر یک همان نباشد که شایسته‌ی آن است. بنابراین ناکارآمدی یعنی

آن نوع مدیریت مدنی که اشیا و افراد را در جایگاه‌های خود قرار نداده است و میان اشیا و مناصب و منافع متعددی همسویی و هماهنگی و تعادل و میان افراد جامعه همدلی و پیوستگی ایجاد نمی‌کند تا میان جامعه به‌جای تشتت و تفرقه و تضاد منافع، وحدت و همدلی و همسویی منافع و بلکه هم‌افزایی منافع ایجاد شود.

ب: جمهوری اسلامی؛ نظام سیاسی و دولت آن

جمهوری اسلامی به‌عنوان یک نظام سیاسی ترکیب و تلفیقی از جمهوریت و اسلامیت و اقتضائات آن دو می‌باشد. اقتضاء جمهوری آن است که مردم حق حاکمیت بر سرنوشت خود دارند و اقتضاء اسلامی آن است که اسلام مبنای قانون‌گذاری و مبنای فرهنگ و بخش‌های اساسی نظام سیاسی قرار گیرد. مرتضی مطهری این مقصود را چنین بیان می‌دارد که جمهوری اسلامی شکلی از اشکال حکومتی است که بر مبنای آرای عامه‌ی مردم سامان‌یافته و محتوای آن بر اساس معیارها و موازین اسلامی می‌باشد. (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۴، ص ۳۳۰).

امام خمینی می‌فرماید: «حکومت اسلام حکومت قانون است. در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خدا است و قانون فرمان و حکم خدا است.» (امام خمینی، بی‌تا، ص ۵۴) و نیز: «حکومت در اسلام به مفهوم تبعیت از قانون است و فقط قانون بر جامعه حکم‌فرمایی دارد» (همان، ص ۵۵). مراد این است که جمهوری اسلامی حکومت مردم‌سالاری با حاکمیت احکام اسلامی و حاکمیت قانون است.

اما چنین نظامی قابلیت دارد هم از ناحیه‌ی جمهوریت و هم اسلامیت آسیب‌دیده و دچار ناکارآمدی گردد، مگر آن‌که همواره خود را با پرسش‌های اساسی که برآمد آن‌ها روزآمدی و کارآمدی است به‌طورجدی مواجه کرده و به آن‌ها پاسخ‌های عالمانه و مبتنی بر تجربه‌ی مدیریتی کارآمد بدهد. در ادامه پرسش‌های اساسی در سطوح زیرساختی و ساختاری راهبری سیاست‌گذارانه و مدیریتی - اجرایی به‌طور اجمال طرح بحث می‌شوند.

محور ۲: پرسش‌های زیرساختی دولت و نظام سیاسی جمهوری اسلامی

دولت‌ها و نظام‌های سیاسی جهت رشد و توسعه‌ی خود، باید زمینه‌های اصلی آن را از طریق ظرفیت‌سازی در زیرساخت‌ها و در نگاه‌ها و نگرش‌ها به انسان و رشد و توسعه‌ی ابعاد زندگی آن دنبال کنند تا حداکثر بهره‌وری از امکانات و حداکثر رضایت‌مندی و مشارکت فعال مردم در شکوفایی استعدادها و توانمندی‌های فردی و جمعی و مدنی ایجاد شود. دولتی که کار ویژه‌ی خود را در راستای شکوفایی استعدادهای انسان، تعادل بخشی قوای افراد مدنی و قوای جامعه قرار می‌دهد کارآمدی را ابتدا در عبور جامعه از وضعیت افراط و تفریط رفتاری افراد که ناشی از منفعت‌طلبی‌ها و طمع‌ورزی‌ها و خودخواهی‌هاست و از نهادهای جامعه و نظام سیاسی که ناشی از وجود ناهماهنگی و ناهم‌گونی و عدم هدف‌گذاری و عدم ایجاد تعادل میان افراد و نهادهاست می‌داند، زیرا با چنین عبوری ظرفیت‌های کمالی هر یک ظهور و بروز نموده و امکان بهره‌وری بهینه از آن‌ها فراهم می‌گردد. جمهوری اسلامی نیز جهت دستیابی به اهداف خود نیازمند کارآمدسازی خود از طریق ایجاد و استقرار تعادل هم در رفتار شهروندان و هم در میان نهادها و سازمان‌ها دارد تا به کارآمدی آن‌ها بینجامد، اما اگر نتواند از طریق زیرساخت‌ها و در ادامه در ساختارها و سطح راهبری خود به ایجاد تعادل و در ادامه‌ی تعالی جامعه برآید دچار ناکارآمدی شده و ناکارآمدی آن به ضعف یا عدم مشروعیت می‌انجامد و در نتیجه نمی‌تواند در رویکرد تمدن‌سازی ایفای نقش نماید.

جمهوری اسلامی به‌عنوان دستاورد انقلاب اسلامی، نظامی نو پا است که متفاوت از همه‌ی مدل‌های حکومتی است که تاکنون در جوامع مختلف شکل‌گرفته و توانسته با تدوین قانون اساسی و تعیین حدود اختیارات و حقوق مردم چندین دهه حکومت کند و دستاوردهای زیادی را در پی داشته باشد، اما استمرار آن و توسعه‌یافتگی و روزآمدی و کارآمدی و نقش‌آفرینی در تمدن‌سازی آن، نیازمند مواجهه با پرسش‌هایی است که پاسخ به آن‌ها به روزآمدی و کارآمدی آن در سطح نظام‌های موجود جهانی می‌انجامد.

این نظام دارای مبانی و زیرساخت‌های قوی اعتقادی و توحیدی و فرهنگ اسلامی و

ایرانی می‌باشد که در اصول مقدماتی قانون اساسی بدان‌ها اشاره شده است، اما این مبانی به خاطر وجود برخی زمینه‌ها و تعارضات، پرسش‌هایی را در تولید ساختارهای مناسب در دولت و نظام سیاسی و رفع موانع عملکردی و ناکارآمدی دولت به‌عنوان مدیریت سامان‌بخش و هدایتگر به مقاصد عالی ایجاد می‌کند. این پرسش‌های عبارت‌اند از:

- پرسش از شکاف و عدم شکاف میان نظر و عمل

مبانی نظری معرفت‌شناسانه و انسان‌شناسی الهی نظام جمهوری اسلامی، انسان را جامع موجودات عالم زمینی در برخوردارگی دانش حکمت جهت کاربرد دادن آن در سیاست و دولت از طریق احقاق حق و عدالت^۱ (ابن مسکویه، ۲۵۳۵، ص ۵۸) و در برخوردارگی از استعدادها و حیوانی خودخواهانه و منفعت‌طلبانه و طمع ورز و متجاوز به حقوق دیگران و از استعدادهای کمالی خیرخواهانه و غیرخواهانه با نگرش توحیدی تا ایثار و از خود گذشتی می‌داند و با جایگاه خلیفه‌اللهی معرفی می‌کند.^۲ اما پرسش آن است که آیا ساختار حقوقی و مدنی جمهوری اسلامی توانسته برای این انسان از طریق سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت و تعیین فرآیندها و تعیین ضمانت‌های لازم، راه‌کارهای فعلیت‌بخشی آن‌ها را به‌خوبی عملیاتی نموده و به ظهور برساند؟ و چه میزان عدالت را در بازدارندگی و پیشگیری از ظلم و تجاوز و از خودخواهی و منفعت‌طلبی و طمع‌ورزی و در ایجاد تعاون و همکاری و همبستگی و در ایجاد نظم و امنیت در سطوح مختلف فکری و عینی، فردی و جمعی، اقتصادی و فرهنگی و درونی و بیرونی و در بسترسازی ظهور و بروز استعدادهای و توانمندی‌ها و ایجاد سرمایه‌های اجتماعی گسترش دهد؟

- پرسش از هویت‌سازی ترکیبی و همبسته و تعادل ساز ایرانی و اسلامی

رخداد انقلاب اسلامی در ایران و تشکیل نظام جمهوری اسلامی با ماهیت اسلامی نیازمند هم‌پیوند ایرانیت/جمهوریت با اسلامیت و ایجاد تعادل میان آن دو بوده تا به تولید نظام

۱. کارکرد هرگونه علم و دانش و خردورزی اظهار و روشن ساختن حق به نحو مطلق می‌داند: «کار علم روشن کردن حق و تدبیر امور» (است).

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی؛ اصل دوم.

فرهنگی و سیاسی اجتماعی جامعه برآید و هم نیازمند تبیین و فرهنگ‌سازی و الگوسازی لازم از طریق نهادهای مربوطه است، اما آیا اقدامات اساسی و لازم جهت تولید هویتی ترکیبی به‌هم‌پیوسته صورت گرفته است تا با روی کارآمدن هر دولتی کفه ترازو به هم نخورده و هر دو توأمان و هم افزا پیش رفته و توانمندی ایجاد کنند؟ و الا اگر با روی کار آمدن دولت‌ها تعادل به‌هم‌خورده و جنبه اسلامی تقویت و غلبه و ایرانیت کم‌رنگ یا برعکس شود این امر موجبات ضعف در هویت‌سازی متناسب با ارزش‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی را فراهم می‌سازد. این در حالی است که این سرزمین هم پیشینه‌ی افتخارآمیزی در زمینه‌های علمی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی ایرانی و هم پشتوانه‌ی دین اسلام با فهم معقول شیعی را دارد.

سرزمین ایران، مرکز حکمت جاویدان بوده است. تمام مکاتب اسلامی از فارابی تا خواجه نصیر و از ابن‌سینا و سهروردی تا صدرالمتألهین شیرازی و تا علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی با ماهیت اسلامی در این سرزمین بوده است. تفکر اسلامی فراتر از مرزها، همه‌ی ملت‌های مسلمان بلکه همه‌ی ملت‌های جهان را خطاب قرار می‌دهد اما چنانچه محمود سریع القلم مدعی است متون فلسفی و اندیشگی قرن اخیر معرکه تعارضات راه ایرانی و اسلامی بوده است (سریع القلم، ۱۳۸۳، ص ۴۳-۴۴) و این پرسش پیش می‌آید که چه باید کرد؟

- پرسش از چالش منافع ملی و مصالح ارزشی انقلابی

پرسش از حل چالش منافع ملی و مصالح ارزشی انقلابی از دیگر پرسش‌های پیش روی جمهوری اسلامی است که نیاز به بازخوانی و تأمل دارد تا در درون هویت بخشی اسلامی - ایرانی حل شود. (زهیری، ۱۳۹۸، ص ۲۰۷) از این‌رو گاه نظراتی در محور بودن منافع ملی ارائه می‌شود و گاه با کم‌رنگ کردن منافع ملی توجهات روی تأمین مصالح ارزشی و انقلابی جمهوری اسلامی معطوف می‌گردد. این مسئله خصوصاً در صحنه‌ی نظام بین‌الملل و کیفیت روابط خارجی جمهوری اسلامی با دیگر کشورها و در نوع مواجهه‌ی ایران با مسائل بین‌المللی خود را نشان داده و تاکنون آسیب‌هایی ایجاد کرده است.

- پرسش از هم‌خوانی اخلاق مدنی و فضیلت مدار با قوانین و مقررات حاکم امروزه اخلاق و رفتار مبتنی بر فضیلت، به‌عنوان یک سرمایه‌ی مؤثر در کارآمدسازی نظام‌های سیاسی مطرح می‌باشد. نزد فارابی هرگاه اخلاق شهروندان از حالت اعتدال منحرف شود حاکم آن را به مسیر اعتدال برگردانده و در آن مسیر حفظ می‌نماید. (فارابی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۴)

چنانچه ایشان در کتاب / *حساء العلوم*، علم اخلاق را جزئی از علم مدنی قرار داده و در آن از ملکات و فضائلی بحث می‌کند که افعال و رفتار ارادی از آن‌ها منشأ شده است. (فارابی، ۱۳۴۸، ص ۱۰۲) فارابی در آثار دیگر خود مثل *الملة و تحصیل السعادة و التنبیه علی سبیل السعادة* نیز به‌صراحت اخلاق را اساس و سیاست را وسیله‌ی نیل به آن دانسته است.

بنابراین در دولت تعادل‌بخش، مناسبات اخلاق و سیاست طوری است که این دو در امتداد هم بوده و به‌عنوان مکمل دیگری نقش‌آفرینی می‌کنند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۴۳) جمهوری اسلامی به برکت برخورداری از فرهنگ غنی ایرانی و معارف عالی اسلامی، ظرفیت غنی برای تولید اخلاق مدنی کارآمد را دارد، اما آیا تاکنون اقدامات لازم برای ظرفیت‌سازی آن و تعیین راه‌کارهای کاربردی سازی آن صورت گرفته است؟

- پرسش از تبیین و تعادل سازی رابطه‌ی عقل و دین

دولت باید به تبیین رابطه‌ی پایدار میان عقل و ادراکات و فهم عقلانی و میان دین و ارزش‌های دینی برآید و از این طریق کیفیت عقلانیت نخبگان سیاسی را تحت تأثیر قرار دهد (قریب، ۱۳۹۱، ص ۱۷) و الا عدم تبیین این رابطه نقش مؤثری در تولید مشکلات و عدم تعیین مرزبندی‌های رفتاری و ارزیابی آن‌ها دارد.

- پرسش از توازن سازی میان حق و تکلیف

در عصر جدید، مدیریت زندگی مدنی و تأمین نیازمندی‌ها و مصالح عمومی، بر پایه‌ی اعتقاد به حقوق عمومی شهروندان صورت می‌پذیرد. از این‌رو امر سیاسی برخلاف گذشته

دووجهی شده است. وجهی از آن حکم شرعی و وجه دیگر حقوق عمومی است. (فیرحی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۹۵)

در این دوره گسترش و ورود زیاد دولت‌ها به حوزه‌های رفاهی، آموزشی، اقتصادی و صنعتی، توقعات شهروندان در خدمات‌دهی دولت‌ها را بالا برده و این توقعات بیشتر در قلمرو حقوق شهروندی ظهور یافت و جمهوری اسلامی نیازمند آن است که مکانیسم‌های نظارتی بیشتری برای رعایت حقوق شهروندان به کار گیرد، اما آیا در جمهوری اسلامی هنوز میان حقوق شهروندان و تکالیف آن‌ها تفکیک لازم صورت پذیرفته است؟ هرچند مبنا نزد متفکرین اسلامی رابطه‌ی لازم و ملزوم برقرار است (یوسفی راد، ۱۳۹۶، ص ۲۸۷). باید توجه داشت عدم توازن میان حق و تکلیف در پایه‌ی رفتاری شهروندان و تعیین نوع رابطه‌ی شهروندان با حکومت و خاصه با نخبگان نقش مؤثری در ناکارآمدی دارد. مردم در حکومت حق محور، دارای مشارکت فعال هستند از آن‌جهت که مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های حکومت، حق آن‌هاست و حق باید مطالبه شود تا حکومت موظف به رعایت آن باشد، اما اگر مکلف به ارتباط حکومت و مشارکت در آن باشند صاحبان قدرت از چنین تکلیفی سوءاستفاده می‌کنند و دیگر اینکه چه بسیار افرادی که مبنای ارتباط خود با حکومت را وظیفه نمی‌پندارند بلکه حق خود می‌دانند که در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند.

امام خمینی انسان را به‌طور ذاتی صاحب حق می‌داند، ازاین‌رو این‌که هر فردی تلاش می‌کند حقوق خود را به دست آورد از آن باب است که چون آن را ذاتی خود می‌داند. ایشان ضمن اعتقاد به حقوق طبیعی و فطری که ناشی از حقوق انسان به ما هو انسان است این نوع حقوق را حقوق خدادادی برای همگان می‌داند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۳۶۴) و معتقد است هر فرد و ملتی باید از آن برخوردار باشد. «از حقوق اولیه‌ی هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد.» (همان، ص ۳۶۷) ایشان در توجیه این‌که چرا مردم ایران دست به انقلاب اسلامی زدند می‌گوید: «این‌ها دارند حقوق اولیه‌ی بشریت را مطالبه می‌کنند. حق اولیه‌ی بشر است که من

می‌خواهم آزاد باشم.... من می‌خواهم خودم باشم. حرف ما این است. این حرفی است که در هر جا شما بگوئید همه از شما می‌پذیرند» (همان، ج ۳، ص ۵۱۰).

ایشان حقوق و مزایای انسانی را امری فطری و مقبول همگان می‌داند و درعین حال تأکید دارد که دین اسلام بر پایه‌ی احقاق حقوق افراد است تا همگان به حقوق خود دست یابند. «اسلام دینی است که همه‌کس به حقوق خودش می‌رسد و مراعات همه حقوق را می‌کند». (همان، ج ۶، ص ۵۲۶)

وی در مساله‌ی حق تعیین سرنوشت، حساسیت خاصی نشان می‌دهد و آن را فراتر از حق بشری آن را حق دین و شرعی نیز می‌داند. «حق شرعی و حق قانونی و حق بشری ما این است که سرنوشتمان دست خودمان باشد.» (همان، ص ۱۳)

این در حالی است که در جمهوری اسلامی ظرفیت‌سازی لازم برای ورود دادن حقوق مردم در ساختار و روابط ساختاری نظام صورت نپذیرفته است و همین امر موجب شده مردم مطالبه‌گر حقوق خود باشند و ساختارها کمتر بر پایه‌ی رعایت حقوق تعریف شده‌اند و بالاخره کمتر دیده می‌شود که ساختارها با نگاه حقوق مردم بازنگری شوند.

- پرسش از تناسب و عدم تناسب میان آرمان‌ها و اتخاذ روش‌ها

لازم است دستیابی به آرمان‌ها پایه‌ی سیاست‌گذاری‌ها قرار گیرد، اما مدیریت و سیاستمداری و اتخاذ روش‌ها باید متناسب با واقعیت‌های بیرونی و در توجه به شرایط و موانع اقدام شوند و الا دولت‌مردان و نخبگان سیاسی را خطر کل‌گرایی و مطلق‌اندیشه (قریب، ۱۳۹۱، ص ۱۸-۱۹) و ذهنیت بافی در پی دارد اما آیا در جمهوری اسلامی توجه به واقعیت‌های بیرونی و اقتضائات آن مورد توجه لازم قرار گرفته است تا در تعامل با نظام بین‌الملل و دولت‌های موجود در آن کمتر دچار مشکل شود.

- پرسش از وجود و عدم وجود نظام بینشی و گرایشی جامع کارآمد

جمهوری اسلامی بر مبنای نظام اسلامی، نیازهای معرفتی خود را باید از نظام دانشی پیشینه‌ی خود در زمینه‌های مختلف فلسفی، اخلاقی، اعتقادی و فقهی تأمین نماید و باید

هر یک را در جای خود به کار بگیرد و الا دچار مشکل بینشی و معرفتی می‌شود. اگر جمهوری اسلامی بخواهد پویا و کارآمد باشد و بر بحران‌های سیاسی و اجتماعی غلبه کند، باید به تمامی حوزه‌های فلسفه‌ی سیاسی، اخلاق سیاسی، کلام سیاسی و فقه سیاسی توجه نماید اما آیا توانسته جایگاه هر یک را معین نموده و آن‌ها را به تناسب نیاز به کار بندد؟ باید در مجالس قانون‌گذاری و در مجلس خبرگان قانون اساسی، شورای نگهبان و سیاست‌گذاری‌ها هم فقها حضور داشته، هم فیلسوفان، هم عالمان علم سیاست و جامعه شناسان و هم اقتصاددانان. اگر این‌ها با هم تلفیق شده و از نظرات هم استفاده کنند یک قانون اساسی متعادلی خواهیم داشت و الا یا از عقلانیت و اصول مبنایی دور شده یا با واقعیت‌های بیرونی دچار چالش جدی شده و گرفتار تندروری‌ها یا کندرویی‌ها می‌شویم.

- عدم کنترل حرص و طمع‌ورزی

عدم توجه جامع و کامل به انسان و به ابعاد حیوانی و شیطنانی او در کنار ابعاد الهی و متعالی او موجب می‌شود در سیاست‌گذاری‌ها و وضع قوانین واقعیت طمع‌ورزانه و حریصانه انسان نادیده گرفته شده یا کمتر توجه شود آنگاه محیط بیرونی برای حرص‌ورزی و طمع‌ورزی و خودخواهی و تجاوزطلبی فراهم می‌گردد.

خواجه نصیرالدین طوسی سبب ناکارآمدی دولت‌ها را در روآوری به مال و ثروت و رغبت به آن‌ها و ترفه و لذت‌جویی می‌داند. «سبب وقوف و انحطاط آن (دولت) رغبت قوم در مقتنیات مانند اموال و کرامات بوده چه قوت و صولت اقتضای استکثار این دو جنس کند و چون ملابس آن شوند هر آینه ضعفای عقول بدان رغبت نمایند و از مخالطت سیرت ایشان به دیگران سرایت کند تا سیرت اول بگذرند و به ترفه و نعمت‌جویی و خوش‌عیشی مشغول شوند و اوزار حرب و دفع بنهند و ملکاتی که در مقاومت اکتساب کرده باشند فراموش کنند و همت‌ها به راحت و آسایش و عطلت میل کنند» (طوسی، ۱۳۷۱، ص ۳۰۴) اما آیا در دولت و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ساختارهای تقنینی و مدیریتی - اجرایی نقش‌ها و راه‌کارها و تدابیر لازم برای آسیب‌زدایی و پیشگیری و کنترل و تعدیل رفتارهای فردگرایانه و منفعت‌طلبانه افراد تدارک دیده است؟

- پرسش از عقل عملی و بهره‌گیری از آن کنش‌ها و رفتارهای مدنی

عقل عملی دارای نقش اساسی در حضور فعال هر فرد مدنی در جامعه و در تعامل با حکومت و در احقاق حقوق می‌باشد و اگر پایه‌ی مدیریت و سیاست ورزی و سیاست‌گذاری نباشد، دولت جامعه را متلاشی می‌کند. پرسش آن است در جمهوری اسلامی دلایل فاصله گرفتن از عقل و حکمت عملی خاصه حکمت مدنی و فلسفه‌ی سیاسی چیست؟ چرا در تدریس حکمت در حوزه و دانشگاه، به حکمت عملی چندان توجهی نمی‌شود؟ چرا پرسش از حقوقی مدنی یک فرهنگ نیست؟ امروزه بروز رفتارهای خشونت‌آمیز با هزینه‌های سنگین در میان اقشار مختلف زیاد شده است درحالی‌که اگر عقل عملی در افراد مدنی فعال بوده و گفت‌وگو و تعامل پیشه شود جامعه کمتر دچار آسیب‌های خشونت‌آمیز می‌شود.

- پرسش از برخورداری از فلسفه زندگی همه‌گیر

این‌که مردم چقدر در درون یک فلسفه‌ی زندگی شفاف و فلسفه‌ی سیاسی خاص تعریف‌شده زندگی می‌کنند نقش مؤثری در کارآمدی نظام در زمینه‌ی وحدت بخشی و ایجاد همبستگی میان شهروندان دارد اما آیا در جمهوری اسلامی تلاش شده است تا مردم از یک فلسفه‌ی زندگی شفاف برخوردار باشند تا مردم بدانند برای چه زندگی می‌کنند؟ چه هدف یا اهدافی را باید دنبال کنند؟ و چه نوع سبک زندگی را انتخاب کنند؟ و بر آن هویت‌یابی کنند؟ و با رضایت‌مندی از زندگی خود نقش مؤثری در مشروعیت و در نتیجه در کارآمدی دولت داشته باشند.

- پرسش از ارتباط کارآمد میان دانش و صنعت

جمهوری اسلامی با برخورداری از زیرساخت‌های دانشی اعم از حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها توانمندی زیادی در علم و دانش‌های نظری دارد که شاهد آن آمار بالای دانش‌آموختگان در حوزه و دانشگاه می‌باشد اما آیا توانسته آن‌ها را در قالب شبکه کارآمدی به فن و عمل درآورد تا دچار مشکلات در تولید و فرایندهای آن و عدم اشتغال نگردد؟

اگر فلسفه تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی این بود که بین دانشگاه و صنعت قرار بگیرد چرا چنین نشده و بیشتر صادرکننده‌ی مدرک شده است؟

- پرسش از وجود نظارت قوی و از سیاست‌گذاری و سیاستمداری و مدیریت سیاسی قوی

ضعف در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، فرهنگی و امنیتی موجب ضعف در سیاستمداری و مدیریت سیاسی و سامان‌دهی مفید شده و موجب شکل‌گیری سیاست‌های غلط می‌شود. مثل اینکه نداشتن سیاست‌های مالیاتی یا ضعف در آن به‌جای کارآفرینی تورم‌زا و رکود آفرین می‌شود. پرسش آن است که در سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت سیاسی کشور چه میزان به نظارت قوی کارآمد توجه شده است؟

محور ۳: پرسش‌های روزآمد ساز و کارآمد ساز ساختاری جمهوری اسلامی

هرگونه ناهمگونی و ناسازگاری در میان اجزاء و عناصر یک نظام و میان بخش و زیر بخش‌ها و میان منافع افراد مدنی مانع از آن می‌شود که بتوان بهره‌وری شامل و جامع از آن‌ها داشت، درحالی‌که یک نظام متعادل نظامی است که میان اجزا و عناصر آن پیوستگی وجود دارد (فارابی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۳) و حاصل آن پیوستگی کارآمدی همه‌ی اجزا و عناصر و بخش‌ها می‌شود یعنی اگر میان آن‌ها تعادل و در نتیجه همگونی و سازواری پیش آید بهره‌وری بالا رفته و بالا رفتن بهره‌وری به بالا رفتن کارآمدی می‌انجامد اما پرسش‌های ساختاری کارآمد ساز و روزآمد ساز در چارچوب اعتدال و رویکرد تعادل بخشی دولت عبارت‌اند از؛

- پرسش از مدیریت تخصصی کارآمد ساز نه مدیریت عوام‌گرا

سامان‌دهی و مدیریت یک جامعه و نظام سیاسی، نیازمند نگاه تخصصی داشتن به امور و برخورداری از دانش لازم می‌باشد. سیاست و مدیریت مدنی در چارچوب اعتدال امری پیچیده و لوازماتی دانشی خاصی را می‌طلبد. باید در مدیریت از عوام‌گرایی به شدت پرهیز کرد. استفاده از فلسفه و علم سیاست، علم روابط بین‌الملل و علم الاجتماع، جامعه و نظام سیاسی و دولت را از عوام‌گرایی نجات می‌دهد.

یکی از ویژگی‌های نگاه تخصصی صنعتی، نظم و تقسیم‌کار است و نتیجه‌ی آن ارزش افزوده می‌باشد. باید در تقسیم‌کار، پرسش از تقسیم‌کار نظام‌مند و همگون، سازگار و سازوار و رسا داشت و از مدیریت کارآمد و روزآمد برخوردار گردید. باید پرسش از آن داشت که چگونه سیاست‌ها به برنامه عملیاتی تبدیل می‌شود؟

- پرسش از بوروکراسی اداری و وجود مقررات پیچیده‌ی دولتی

بوروکراسی اگرچه در عصر مدرن جهت ساماندهی و دوری از مدیریت سنتی غیرعلمی ایجاد شد، اما حاکمیت بوروکراسی در قالب بخش‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و ابلاغات آن‌ها آسیب‌های جدی به فرصت‌ها زده و فرصت سوزیهای زیادی را دچار می‌شود. در جمهوری اسلامی لازم است به فلسفه‌ی بوروکراسی توجه داشته تا هم دچار فهم حداقلی از آن نشده و هم اکتفا به صورت ساختاری آن نشود.

- پرسش از قانون اساسی مترقی و کیفیت اجرایی نمودن جامع آن

قانون اساسی جمهوری اسلامی قانونی جامع، بنیانی و مترقی است، اما پرسش از آن است که چه میزان توانسته در ضمن اسلامیت، حقوق مردم را در خود برجسته نموده و چه میزان مردم را در پاسداری از آن به مشارکت کشانده و چه میزان مردم خود پاسدار آن هستند.

- پرسش از مدیریت مصرف کارآمد و اثربخش

پرسش از مدیریت مصرف و بهره‌گیری بهینه و هم‌افزا از تولیدات اولیه اعم از نیروی انسانی مثل دانش‌آموختگان دانشگاهی و بسیج مردمی و نیروی کار زیاد و از منابع اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و ... مثل نقدینگی زیاد، پرسش‌هایی است که پاسخ به آن‌ها خردورزی‌ها و تدابیر و تجارب لازم را می‌طلبد تا به کارآمدی دولت و نظام سیاسی در سطح ملی و فراملی بینجامد. ضعف در فکر تجمیعی و ترکیبی و تخصصی تعادل یافته هم‌افزا در ساختارهای مدنی موجب می‌شود مردم و مدیران و کارگزاران جمعی فکر کردن و منسجم عمل کردن را کمتر تجربه کرده باشند. باید خردورزی بر مبنای

رعایت منافع و مصالح جمعی جای توده ایی عمل کردن را بگیرد. باید نهادهای تعلیمی و ترویجی با سیاست‌های سازنده و مفید راه‌های جمعی و سیستمی فکر کردن و تخصصی تصمیم گرفتن را به شهروندان تعلیم دهند تا بتوان هم تولیدات اساسی و مبنایی و زیربنایی داشته و هم از آن‌ها دهها و صدها تولید دیگر در حوزه‌های فرهنگی و صنعتی و غیره داشت.

باید به جای توزیع پول تحت عنوان یارانه، برای مردم اشتغال ایجاد کرد تا مردم بروند عزتمندانه کار کنند و چرخ زندگی‌شان را بچرخانند. باید از سرمایه و زمین و انرژی و زمان و اطلاعات استفاده بهینه نمود.

- پرسش از نهادینه‌سازی تعاملات مبتنی بر عدالت مدنی و محبت مدنی

باید توسط دولت و فرهنگ‌سازی در جامعه به تعلیم فکر و رفتار مدنی بر پایه‌ی عدالت مدنی برآمده تا در آن منافع خود و دیگران رعایت شده و هویت مدنی شکل گیرد تا بر پایه‌ی محبت مدنی که در آن تعاملات بر پایه‌ی انس و الفت و احسان و ایثار شکل می‌گیرد، هویت انسانی و الهی شکل گرفته و اقدامات لازم صورت پذیرد اما پرسش آن است که برای نهادینه‌سازی روابط و تعاملات بر مبنای عدالت مدنی و محبت مدنی چه میزان هزینه شده است؟

- پرسش از وجود فرهنگ گفت‌وگو و میزان آن

یکی از کارکردهای عقل عملی در میان مردم، امکان گفت‌وگوهای افراد جامعه بر سر منافع خود با رعایت منافع دیگران یعنی هم نوعان خود می‌باشد و به عبارتی از کارکردهای عقل عملی اخلاق، گفت‌وگوی میان مردم و بردباری مثبت است که زمینه‌ی تعاملات مدنی را فراهم می‌سازد و آن بخشی از مدنیت جهان کنونی است و لازمه‌ی آن وجود نهادها، رسانه‌ها و شبکه‌ها و مناسبات معطوف به گفت‌وگو است (خانیکی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۸) و هرگاه تفکر فلسفی و نقادی و محاسبه‌گرانه جمعی که حاصل فعالیت عقل عملی است حاکم شود، گفت‌وگو بر سر منافع فردی و جمعی و مصالح دینی و ارزشی آسان و کم‌هزینه صورت می‌پذیرد. پرسش آن است که در جمهوری اسلامی چه نوع نهادها و چه میزان از آن‌ها و از

رسانه‌ها مروج آن هستند؟

- پرسش از پاسخ‌گویی نظام سیاسی جمهوری اسلامی در قبال رفتارهای سیاسی (زهیری، ۱۳۹۸، ص ۹۳).

عدم مشارکت مدنی و سیاسی فعال و عدم فرهنگ پرسش‌گری که حاصل فعالیت عقل عملی و ترویج تفکر فلسفی است، مانع از آن می‌شود که نقادی دولت و پاسخ‌گویی آن نهادینه‌شده و پشتوانه‌ی حقوقی پیدا کند. از این‌رو دولت و نظام سیاسی در قبال کارهای خود، خود را پاسخ‌گو نمی‌بینند و در مقابل، همه‌ی صداها شنیده نشده و بعضی به حاشیه می‌روند. (خانیک، ۱۳۹۳، ص ۱۷۵) پرسش آن است که جمهوری اسلامی چه میزان خود را پاسخ‌گو می‌بیند و برای این منظور چه نهادهایی تأسیس نموده و چه پشتوانه‌ی حقوقی به آن داده است؟

باید در سیاست‌گذاری‌ها مردم احساس کنند پشتوانه‌ی تصمیمات دولت هستند. این‌زمانی است که دولت اعتماد مردم را جلب کند و به اقتناع مردم در رسیدن به حقوق خود برآید (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۵۲) یعنی آگاهانه به رضایت از کارکرد دولت در دست‌یابی به حقوق خود برسند.

- پرسش از نگاه علمی و تخصصی به مدیریت سیاسی کشور

پاسخ‌گویی و انتقادپذیری نقش مؤثری در حضور و مشارکت فعال مردم در تصمیمات داشته و در نتیجه نقش مؤثری در مشروعیت و رضایت‌مندی و در نهایت کارآمدی نظام سیاسی و دولت دارد. باید از اقدامات غیرتخصصی و غیر فنی و غیرعلمی و سلیقه‌ایی پرهیز کرده و الی فساد و ناکارآمدی در پی دارد (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۵۴) و باور کنیم که مملکت‌داری علم است و بعد بپذیریم که کشورداری یک فن است تا زیرساخت کارآمدی را فراهم‌سازیم زیرا فن، کار را علمی و نهادینه می‌کند. پرسش آن است که آیا جمهوری اسلامی در مدیریت سیاسی خود از علم و فنون لازم برخوردار است. آیا ساختار و مدیریت سیاسی آن علمی است؟ از تبعات عدم پاسخ‌گویی به‌روز نبودن و عدم حساسیت در

بهره‌وری مفید و اثربخش از امکانات و از فرصت‌ها می‌باشد و درعین‌حال بهره‌وری سودجویانه‌ی فردی جایگزین منافع جمعی می‌شود.

- پرسش از ساختارها و نهادهای کارآمد

نبود نهادهای عمومی مدنی مشارکت‌جو (به‌عنوان میانجی میان مردم و دولت) مثل سمن‌ها و احزاب سیاسی و کاهش مشارکت مردم، موجب می‌شوند ساختارها و نهادهای نظام نتوانند مدیریت کارآمد از خود نشان دهند درعین‌حالی که نیروها مادامی‌که در جایگاه شایسته‌ی خود قرار نگیرند از خود کارآیی خوبی نشان نمی‌دهند. ساختار غیرکارآمد موجب شده نهادهای عمومی مشارکت‌جو یا نباشد یا کم باشد. پرسش آن است در جمهوری اسلامی مردم در شبکه‌ی تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی چقدر نقش‌آفرینی می‌کنند؟

محور ۴: سطح راهبری دولت جمهوری اسلامی و پرسش‌های پیش‌رو در کارآمدی

همواره میان صحت و قوت یک اندیشه‌ی اجتماعی و سیاسی با نظام اجتماعی و نظام سیاسی برخاسته از آن (هرندی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۰) یک رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. اگر یک نظریه و اندیشه‌ی سیاسی نتواند اندیشه‌های خود را عملی سازد مشکل جدی در واقع بینی و پذیرش از سوی مردم دارد.

جمهوری اسلامی برخاسته از نظریه‌ی ولایت‌فقیه باید قوت خود را در عملی‌سازی اهداف و آرمان‌ها نشان دهد. از سوی دیگر دولت‌ها که نقش سامان‌دهی و هدایت جامعه به‌سوی اهداف و آرمان‌ها را عهده‌دارند دچار ضعف‌ها و کاستی‌هایی می‌شوند که ازجمله‌ی آن‌ها ضعف در سیاست‌گذاری و ضعف راهبری راهبردی است. ازجمله پرسش‌هایی که متوجه دولت جمهوری اسلامی است عبارت‌اند از:

- پرسش از سیاست‌های نظارتی و تعادلی

دولت باید مرزهای سیاست‌های نظارتی و تعادلی و حمایتی و هدایتی خود را مشخص کند، درعین‌حال مشخص کند کدام سیاست‌ها چه نوع هدف‌گذاری را می‌طلبد. دولت‌ها گاه نقش تصدی‌گری به‌جای نظارت فعال و مؤثر را ایفا می‌نمایند. با ایفای نقش

تصدی‌گری باید منتظر دخالت عناصر و یا افراد و گروه‌های ذی‌نفوذ و منفعت‌طلب بود و نتیجه‌ی آن بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری‌ها می‌شود. (زهیری، ۱۳۹۸، ص ۱۰۷-۱۰۸)

در چارچوب دولت تعادل‌بخش، لازم است سیاست‌های نظارتی و حمایتی برای تعادل بخشی باشد تا از آن طریق جامعه به تعادل رسیده و سیاست‌گذاری هدایت‌گرانه آن را به‌سوی وصول به اهداف و آرمان‌ها برساند. باید بین عرضه و تقاضا و بین سود و زیان تعادل ایجاد کند. دولت باید معمار باشد. معمار هم استانداردهای می‌کند و هم اعمال استاندارد می‌کند و بر استاندارد نظارت می‌کند. اما پرسش آن است که جمهوری اسلامی چه میزان مرزهای دولت دخالت‌گرا را با دولت نظارت‌گر و مقتدر تفکیک کرده است؟

- پرسش از وضعیت بازنگری از گذشته و نظارت بر حال (قریب، ۱۳۹۱، ص ۱۹)

دستیابی به اهداف و آرمان‌ها به‌عنوان چشم‌انداز پیش‌رو، نیازمند بازنگری از گذشته و برنامه‌های مستمر زمان حال دارد تا ارزیابی شود. آیا سیاست‌های تعادل‌بخش در حال اجرا از برنامه‌ریزی درست برخوردار هستند و توانسته‌اند هماهنگی لازم در میان اجزا و عناصر مرتبط با یکدیگر را برقرار سازند تا حاصل آن‌ها هم‌افزایی ظرفیت‌های اجزا و عناصر درگیر باشد. پرسش آن است که آیا دولت جمهوری اسلامی از چنین نظارتی برخوردار نمی‌باشد؟

نظارت دولت‌ها بر امور، از اساسی‌ترین نقش‌های دولت‌ها در مدیریت خود بر امور و در دستیابی به اهداف می‌باشد، اما اگر نظارت خوب صورت نپذیرد باید منتظر تداخل امور و بالا رفتن هزینه‌ها و ظلم و بی‌عدالتی شد لذا باید از سیاست‌های راهبردی دولت، نظارت کارآمد بر امور باشد. این نظارت پویا و پیش‌گیرانه و دستگیرانه و برآیندی است نه نظارت مچ‌گیرانه.

- پرسش از سیاست‌گذاری عمومی کارآمد

در کشور، منابع تولیدی و زیرساختی زیاد وجود دارد، اما باید سیاست‌گذاری مفید در بهره‌وری از آن‌ها صورت بگیرد تا با هزینه‌ی کم، بهره‌وری حداکثری شده و حداکثر قدرت

و نیروی (اقتصادی، فرهنگی و سیاسی اجتماعی) فراهم و هم‌افزا شوند. و الا دچار رکود تورمی اقتصادی و فرهنگی و سیاسی می‌شویم. پرسش آن است که آیا سیاست‌گذاری‌های لازم در سطوح مذکور به نحو تجمیعی و هم‌افزا صورت گرفته است تا دچار پیامدهای عدم برخورداری از آن را نشویم؟ ما قدرت تولید مطالبات فرهنگی را داریم، خوب نیرو تولید می‌کنیم اما باید دید از آن‌ها خوب بهره‌برداری می‌کنیم و به خود تخریبی نمی‌پردازیم. باید به‌جای کنترل نقدینگی مدیریت نقدینگی کنیم. (صدرا، ۱۳۹۸) با ایفای نقش تصدی‌گری باید منتظر دخالت عناصر و یا افراد و گروه‌های ذی‌نفوذ و منفعت‌طلب بود و نتیجه‌ی آن بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری‌ها می‌شود. (زهیری، ۱۳۹۸، ص ۱۰۷-۱۰۸)

باید در سیاست‌گذاری‌ها و در بهره‌وری از امکانات و منابع، مبنا عدالت مدنی و رعایت حقوق همه‌ی ذی‌نفعان باشد تا تجمیع و هم‌افزایی امکانات و ظرفیت‌ها و فرصت‌ها را در پی داشته و در نتیجه حداکثر بهره‌وری را در برداشته باشد. باید توجه داشت منابع در تولید می‌رود یا نه؟ باید سیستم مالیاتی فعالیت غیرتولیدی را پرهزینه کند تا کسی سراغ کارهای کاذب مثل دلالی نرود اما آیا چنین می‌شود؟ دولت لازم است در سیاست‌گذاری‌ها بهره‌وری بهینه یعنی اثربخش را جزء سیاست‌های خود قرار دهد تا از امکانات به نحو مطلوب استفاده شود و الا به هدر رفتن فکرها و انرژی‌ها می‌انجامد.

- پرسش از نگاه هم‌افزا در برنامه‌ریزی

دولت در مدیریت اجرایی خود باید با تغییر قوه و تغییر هیات اجرایی توجه داشته باشد که با مطالعه و آگاهی از برنامه‌های اجرایی تیم قبلی، ادامه‌دهنده‌ی برنامه‌های تعریف‌شده‌ی خود باشد، یعنی نقش پلکانی و تکمیل‌کنندگی را ایفا نماید به‌جای ورود و حرکت پاندولی که لازمه‌اش آن است که برنامه‌های قبلی را کنار گذاشته و برنامه‌ی جدید نوشته و به اجرا گذارد که با این کار هم اتلاف وقت و هم اتلاف انرژی و هم اتلاف فکر و برنامه‌ریزی دارد. به تعبیر قرآن کریم باید مُصَدِّقًا لِمَا بَیْنَ يَدَيْهِ (درحالی‌که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند (بقره/ ۹۷) باشیم در غیر این صورت، مشکلات ایجادشده و نیرو سوزی می‌شود. (همان)

ورود بی‌برنامگی یا ورود پاندولی به بروز مشکلات اساسی، اتلاف منابع، فرصت سوزی‌ها، تشدید تهدیدها، کاهش قدرت در همه‌ی ابعاد، به بروز شکاف قابل‌توجهی میان ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و امکانات کشور می‌انجامد (قریب، ۱۳۹۱، ص ۱۶) اما آیا در مدیریت اجرایی کشور نگاه هم‌افزا در برنامه‌ریزی‌ها نهادینه شده است؟

- پرسش از داشتن الگوی پیشبرد فرآیند امور

هر نظامی در فرآیند اجرای سیاست‌های پیشگیرانه یا تعادل‌ساز به‌عنوان الگو نیازمند تعریف و تعیین و ترسیم آغاز و انتها و چگونگی طی کردن بین این دو می‌باشد تا نوع اقدامات و فعالیت‌ها و چگونگی تحقق آن‌ها به‌طور تخصصی مشخص شده و از هرگونه اعمال سلیقه شخصی و هدر رفت اقدامات قبلی پیشگیری کند و تا موجب شود با آمدورفت نیروها و مدیران اجرایی اقدامات بعدی پلکانی و در تکمیل اقدامات قبلی باشد اما اگر چنانچه این فرآیند به‌عنوان الگوی کار مشخص نباشد اقدامات موردنظر نتیجه ندهد و دچار ناکارآمدی می‌شود. یعنی در کنار قانون اساسی و سیاست‌های راهبردی به الگو نیازمندیم تا از عمل سلیقه‌ای و خودسرانه پیشگیری شود.

- پرسش از جایگاه مردم در تصمیم‌گیری

امروز در جمهوری اسلامی اگرچه الگوی مردم‌سالاری در ایران مورد وفاق همه‌ی گروه‌ها و نخبگان سیاسی کشور است و توأمانی اسلامیت و جمهوریت نزد غالب پذیرفته شده است اما آیا نقش مردم در تصمیم‌گیری‌ها به‌طور شفاف تعریف و تعیین شده است؟ آیا مردم می‌دانند کجا می‌توانند مطالبه‌گر باشند و از حق خود دفاع کنند. متأسفانه به نظر نمی‌رسد نقش مردم در تصمیم‌گیری‌ها شفاف شده باشد. (زهیری، ۱۳۹۸، ص ۸۳) این عدم شفافیت نتوانسته مانع از اقدامات پیشگیرانه تضييع حقوق مردم و دفاع آن‌ها از حقوق خود نماید، از این‌رو مردم با سهولت نمی‌توانند حقوق تعریف‌شده‌ی خود را مطالبه و از آن دفاع نمایند.

- پرسش از وجود نظام مشاغل و پرهیز از اشتغالات متعدد

نزد متفکرینی مثل فارابی و خواجه نصیرالدین طوسی در نظام مشاغل دولت مطلوب خود برای هر کس یک شغل تجویز می‌شود (فارابی، ۱۴۰۵ق، طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۸۸) تا تداخل مشاغل و تداخل امور و بی‌نظمی یا تراکم شغلی برای بعضی و بیکاری برای بعضی دیگر پیش نیاید و افراد در پست‌های شغلی شایسته خود قرار گیرند و به بروز مفاسد دیگر و هدر رفتن انرژی‌ها و توانمندی‌ها نینجامد. حال آیا جمهوری اسلامی در اشتغال افراد جامعه از نظام مشاغل برخوردار می‌باشد؟

نتیجه‌گیری

در ابتدای متن این سؤال مطرح شد که در چارچوب تعادل بخشی فلسفه‌ی سیاسی اسلامی، کارآمدسازی جمهوری اسلامی با چه نوع پرسش‌های زیرساختی و ساختاری مواجه است که عدم توجه یا عدم پاسخ به آن‌ها تأثیر مستقیمی در ضعف در توانمندی زیرساختی و ضعف در روزآمدی و کارآمدی جمهوری اسلامی دارد و در دولت‌سازی و در نتیجه تمدن‌سازی دچار مشکل می‌گردد؟ پاسخ به این سؤال در درون چارچوب زیرساختی و ساختاری نظام سیاسی جمهوری اسلامی مجموعه‌ی سؤالات فرعی شد که در محورهای دوم تا چهارم مطرح شده و خردورزی‌های لازم را می‌طلبند.

در این متن سه دسته پرسش‌های آسیب‌شناسانه‌ی تمدن‌ساز از کارآمدی جمهوری اسلامی ارائه شد که بعد از محور مفاهیم، محورهای دوم تا چهارم را تشکیل دادند. دسته‌ای ناظر به مقولات زیرساختی بینشی و ارزشی بوده و دسته‌ای دیگر ناظر به پرسش از سیاست‌های راهبردی و ساختار سیاست‌گذارانه دولت بوده و دسته‌ی سوم ناظر به پرسش از چگونگی راهبری سیاستمداران و مدیریتی و ساختار تقنینی و مدیریتی دولت بود.

پرسش‌های زیرساختی معرفت‌شناسانه و انسان‌شناسانه عبارت‌اند از؛ پرسش از تناسب میان نظر و عمل، از رابطه دین و عقل، از وجود اخلاق مدنی در تعاملات و ساختارها، از وجود تناسب میان آرمان‌ها و اتخاذ روش‌ها، از وجود توازن میان حق و تکلیف، از تعادل میان منافع ملی و مصالح ارزشی انقلابی، از هویت‌سازی ایرانیت -

اسلامیت، از وجود شفافیت در فلسفه‌ی سیاسی و فلسفه‌ی زندگی همه‌گیر، از شکوفایی عقل عملی شهروندان و بهره‌گیری مفید از آن، از چگونگی کنترل حرص و طمع و از تعادل میان دانش و صنعت.

خردورزی و پاسخ عالمانه و مدبرانه به پرسش‌های زیرساختی مذکور موجب می‌شود زیرساخت‌های دولت و نظام جمهوری اسلامی از تعادل بخشی لازم و تعالی‌گرایی برخوردار بوده و در نتیجه از کارآمدی لازم برخوردار شود. مراجعه به متن قانون اساسی نشان می‌دهد مبانی نظام سیاسی جمهوری برخاسته از مبانی عقلی و دینی و حیانی تعادل ساز شریعت محور و عدالت‌گستر برخوردار می‌باشد. اما زمانی مبانی مذکور به کارآمدسازی جمهوری اسلامی به‌عنوان الگوی تمدن‌سازی نوین می‌انجامد که به پرسش‌های اساسی طرح‌شده پاسخ داده شود.

پرسش‌های ساختاری، پرسش‌هایی از قبیل پرسش از نگاه علمی و تخصصی به مدیریت کشور، از وجود فرهنگ گفت‌وگو، از حاکمیت قانون عدالت محور و از مدیریت مصرف کارآمد و اثربخش می‌باشند اما هرگونه خردورزی و پاسخ عالمانه و متخصصانه نقش اساسی در بهره‌گیری کارشناسانه و عالمانه و تخصصی و استقرار امور در جای خود و در نتیجه در کارآمدی ساختار دولت در بخش‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و در نتیجه به تعادل و تعالی جامعه و نظام سیاسی دارد.

پرسش‌های راهبری راهبردی

این پرسش‌ها ناظر به سیاست‌گذاری راهبردی است و عبارت‌اند از؛ پرسش از سیاست‌گذاری‌های اثربخش، پرسش از رویکرد تکمیلی پلکانی در برنامه‌ها به‌جای پاندولی، پرسش از داشتن الگوی پیشبرد فرایند امور، پرسش از جایگاه مردم در تصمیم‌گیری‌ها، پرسش از اعتماد به مردم و رضایت‌مندی آن‌ها، پرسش از نقد و اصلاح حال و گذشته، پرسش از نقش نظارتی و دیگر نقش‌های دولت.

پرسش‌های راهبردی مذکور و خردورزی از آن‌ها موجب می‌شود دولت از روزمرگی و خلأ برنامه‌ریزی منسجم و سیستمی دور شده و در نتیجه از کارآمدی لازم برخوردار گردد.

در مجموع باید در چارچوب تعادل بخشی و در رویکرد تمدن ساز فلسفه‌ی سیاسی اسلامی و با مدد گرفتن از حکمت مدنی و علوم تخصصی و تجربه‌ی مدیریت‌های موفق، به پرسش‌های مطرح شده پاسخ‌هایی ارائه نمود که برآیند آن‌ها روزآمدی و کارآمدی دولت جمهوری اسلامی به‌عنوان الگوی دولت سازی در تمدن نوین اسلامی باشد، زیرا باید دانست هر قدر زیرساخت‌ها محکم بوده و رسا، سازوار و بهره‌ور و اثربخش باشند در عمل هم اسلامیت و هم ایرانیت ما نشان می‌دهند که تمدن‌ساز بوده‌ایم. در این مقاله تأکید بر این است که باید پایه‌ی اساسی مدیریت سیاسی بر حکمت و تعادل و اعتدال مدنی باشد، زیرا حکمت، تعادل و عدالت مدنی را در بردارد و آنچه بر حکمت و تعادل باشد هم رافع تعارضات و تنافرها و تضادها و تقابل‌ها می‌باشد و در نتیجه پیشگیر ناکارآمدی نظام و دولت است و هم با عبور شهروندان از موانع و رسیدن به اعتدال و با شکوفایی استعدادهای شکوفا شده، رشد و ارتقاء وجودی متوجه افراد، جامعه و دولت شده و این رشد پیشران ارتقاء رابطه‌ی دولت ملت و رضایت‌مندی آن‌ها می‌گردد.

این تحقیق از دو نوع نوآوری؛ روشی و محتوایی و مفهومی برخوردار می‌باشد. معمول مؤلفین و محققین متون تألیفی و تحقیقی خود را در قالب قضایایی اخباری یا تجویزی و یا ترکیبی از آن دو تدوین می‌کنند درحالی‌که در این متن شاکله‌ی اصلی آن و روش انتقال مقصود در قالب پرسش می‌باشند. نوآوری محتوایی و مفهومی و معنایی این متن در توجه دادن و تأکید نمودن به کارآمدی دولت جمهوری اسلامی و ظرفیت یافتن آن برای تمدن سازی در مدیریت مبتنی بر بازدارندگی و پیشگیری از بی‌عدالتی و ظلم و تجاوز به حقوق افراد و در تأکید بر استقرار دولت و سیاست بر حکمت و دوران‌دیشی و خردورزی و عدالت مدنی و استقرار تعادل بر بخش‌ها و زیربخش‌ها و بر سطوح فرهنگی و اقتصادی و سیاسی می‌باشد.

کتابنامه

- ابن مسکویه، احمد بن محمد (۲۵۳۵)، جاویدان خرد، ترجمه تقی‌الدین محمد شوشتری، چاپ اول، تبریز، چاپخانه شفق.
- امام خمینی، روح‌الله (بی‌تا)، ولایت فقیه، قم، انتشارات آزادی.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، صحیفه نور؛ ج ۳ و ۴ و ۶، صدرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، انتظار بشر از دین، قم، اسراء.
- خانیک‌کی، هادی (۱۳۹۳)، اعتدال ساختاری، ضعف جامعه مدنی و عدم توازن ارتباطی در ایران، رهیافت‌هایی بر گفتمان اعتدال، به کوشش ابراهیم حاجیانی، تهران، چاپ اول، نشر نگاه معاصر.
- زهیری، علیرضا (۱۳۹۸)، درآمدی بر مسئله کارآمدی در جمهوری اسلامی ایران، قم، چاپ اول، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۳)، پارادوکس هویت در ایران: تقابل لیبرالیسم و اسلام در هویت ایران. به کوشش علی‌اکبر علیخانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- صدرا، علیرضا (۱۳۹۸)، نشست علمی مساله کارآمدی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- طوسی، خواجه‌نصیرالدین طوسی (۱۳۷۳)، اخلاق ناصری، به تصحیح مجتبی مینویی و علیرضا حیدری، تهران، نشر خوارزمی.
- فارابی، ابونصر (۱۳۴۸)، احصاء العلوم، ترجمه حسین خدیو‌جم، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- فارابی، ابونصر (۱۳۷۱)، سیاست مدینه، ترجمه سید جعفر سجادی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.
- فارابی، ابونصر (۱۴۰۵ق)، فصول منتزعه، تحقیق فوزی متری نجار، بی‌جا، انتشارات الزهرا.
- فیرحی، داود (۱۳۹۱)، فقه و سیاست در ایران معاصر، ج ۱، نشر نی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، مجموعه آثار؛ صدرا، ج ۳، ج ۴، ج ۶ و ج ۲۴، صدرا.
- معینی، صغری (۱۳۷۰)، فرهنگ واژه‌ها و اطلاعات مدیریت و سازمان، وزارت کشاورزی.
- قریب، حسین (۱۳۹۶)، دولت عقلانی، تهران، چاپ دوم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هرندی، محمدرضا (۱۳۹۴)، نگاهی به کارنامه نظام جمهوری اسلامی، فصلنامه‌ی تخصصی مطالعات انقلاب اسلامی، تابستان ۱۳۹۴، شماره ۱.
- یوسفی راد، مرتضی (۱۳۹۶)، تأملات فلسفه سیاسی در ایران معاصر، قم، چاپ اول، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- یوسفی راد، مرتضی (۱۳۹۹)، ضرورت اعتدال مدنی در فلسفه سیاسی اسلام، فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی سیاست متعالیه، سال ۸، شماره ۲۸.